

رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه صنعتی: مطالعه موردی استان لرستان

*کاوه درخشانی درآبی^۱، یوسف محنت‌فر^۲

۱. استادیار گروه اقتصاد، دانشکده حقوق و علوم اقتصادی، دانشگاه اراک

۲. استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازنداران، بابل‌سر، ایران

(دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۲ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۱)

Ranking the Affecting Factors of Industrial Development:
Case Study of Lorestan Province*Kaveh Derakhshani Darabi¹, Yousef Mehnatfar²

1. Assistant Professor, Faculty of Law and Economics, Arak University, Arak, Iran

2. Assistant Professor, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Mazandaran,
Babolsar, Iran

(Received: 3/Aug/2019 Accepted: 12/Sep/2019)

Abstract:

Since the 1990s, the role of institutions and the quality of governance along with social capital has been widely recognized as the factors of development. Therefore, the main purpose of this study is to examine the role and contribution of institutional arrangements and social capital on the development process. So, in this study, the role and importance of these factors is examined along with economical and technical factors in the process of industrial development using the hierarchical analysis approach.

The results show that the social capital and institutional quality factors which are included with the headings of policy and political factors, cultural and social factors, and management and human resources factors are respectively calculated with the weight of 0.31, 0.14, 0.11, as the first priority, the third priority and the fourth priority of the barriers to industrial development. The results also show that the financial and technical factors with the weight of 0.12 and 0.08, respectively, are the second and sixth priorities. The infrastructure deficiency and limitations in access to resources and raw materials, respectively, with a coefficient of 0.1 and 0.05 are the fifth and seventh priorities.

Keywords: Institutional Quality, Good Governance, Social Capital, Industrial Development.

JEL: O11, O14, O43.

چکیده:

از دهه ۱۹۹۰ به طور گسترده‌ای نقش نهادها و کیفیت حکمرانی و در کنار آنها سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر توسعه مورد تأکید قرار گرفته است. هدف این پژوهش بررسی نقش و سهم موانع نهادی و اجتماعی در کنار عوامل اقتصادی و فنی در فرایند توسعه است. نتایج بدست آمده از تحلیل پرسشنامه‌ها با استفاده از رویکرد تحلیل سلسله مراتبی نشان می‌دهد که عوامل سرمایه اجتماعی و کیفیت نهادی که با سرفصل‌های عوامل سیاستی و سیاسی، عوامل فرهنگی و اجتماعی، و عوامل مدیریتی و نیروی انسانی لحاظ گردیده‌اند به ترتیب با وزن محاسبه شده ۰/۳۱، ۰/۱۴، ۰/۱۱ اولویت نخست، اولویت سوم، و اولویت چهارم در موانع توسعه صنعتی بوده‌اند، لازم به ذکر است که عوامل مالی و فنی به ترتیب با ضریب اهمیت ۰/۲۱ و ۰/۰۸ اولویت‌های دوم و ششم بوده‌اند، همچنین موانع زیرساختی و عوامل محدودیت در دسترسی به منابع و مواد اولیه به ترتیب با ضریب اهمیت ۰/۱ و ۰/۰۵ در اولویت‌های پنجم و هفتم قرار دارند.

واژگان کلیدی: کیفیت نهادی، حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی، توسعه صنعتی.

طبقه‌بندی JEL: O11، O14، O43.

*نویسنده مسئول: کاوه درخشانی درآبی (این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان "آسیب‌شناسی توسعه صنعتی در استان و ارائه راهکارهای عملیاتی" است که در سال ۱۳۹۷ توسط استانداری لرستان تأمین اعتبار گردیده است)

*Corresponding Author: Kaveh Derakhshani Darabi

E-mail: k-derakhshani@araku.ac.ir

۱- مقدمه

توسعه و رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رفاه اجتماعی کشورها است (رافعی و صیادی، ۱۳۹۷: ۱۵۵). بررسی علل و عوامل رشد همواره مورد توجه خاص اقتصاددانان بوده و الگوهای رشد متعددی برای آن طراحی شده است. بیش از دو سده اقتصاددانان کلاسیک تنها سرمایه‌های مادی و ملموس را به عنوان موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی معرفی می‌کردند. الگوهای رشد نئوکلاسیکی نیز بر عواملی همچون نیروی کار، سرمایه فیزیکی و سطح اولیه درآمد سرانه به عنوان عوامل تعیین کننده رشد اقتصادی تأکید داشتند. ولی بعدها ادبیات تجربی و نظری رشد نشان داده است سرمایه‌های فیزیکی و نیروی کار و سایر عوامل سنتی به تنهایی نمی‌توانند توجیه کننده تفاوت رشد اقتصادی کشورها باشند بلکه طیف وسیعی از متغیرها از جمله منابع طبیعی، کیفیت نهادها، سرمایه انسانی، شرایط جغرافیایی، عملکرد دولت‌ها و بسیاری عوامل دیگر وجود دارند که رشد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مهرآرا و رضائی‌برگشادی، ۱۳۹۵: ۹۲).

از طرفی، یکی از شاخص‌های مورد استفاده در سنجش میزان رشد و توسعه کشورها شاخص توسعه صنعتی است. زیرا بخش صنعت علاوه بر ایجاد ارزش افزوده، بیش از سایر بخش‌های اقتصاد منجر به ایجاد اشتغال می‌شود. ارزش افزوده، اشتغالزایی، تحریک نوآوری و پاسخگویی به نیازهای مصرف‌کنندگان که از خصوصیات تولید صنعتی هستند از عوامل کلیدی رشد اقتصادی بلندمدت و پایدار هستند (شاکری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۰). جریان قوی نوآوری در زمینه مواد اولیه، فناوری اطلاعات و فرآیندهای تولید و ساخت، آفرینش فرصت‌های جدید برای طراحی و ساخت محصولات و خدمات جدید از جمله مواردی است که به واسطه بخش صنعت منجر به رشد اقتصادی کشور خواهد شد.

ارتباط بالایی که بین بخش صنعت و معدن و سایر بخش‌های اقتصاد وجود دارد، اهمیت این بخش را بیش از پیش آشکار می‌کند. ارتباطات بخش‌های مختلف صنعتی و معدنی با سایر بخش‌های اقتصادی از جمله کشاورزی، نفت و انرژی و ساختمان سبب شده تا قلمرو فعالیت بخش صنعت و اثرگذاری آن فراتر از بخش صنعت و معدن باشد. علاوه بر این امکان به کارگیری بیشتر فعالیت‌های بخش خدمات به عنوان داده در بخش صنعت وجود خواهد داشت (مرکز پژوهش‌های

مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴: ۴۶).

مطالب بیان شده بر اهمیت بخش صنعت در فرایند توسعه و لزوم توجه به این بخش در برنامه‌ریزی‌های توسعه را مورد تأکید قرار می‌دهد. از این‌رو لازم است در اسناد بالادستی ملی و منطقه‌ای توسعه توجه ویژه‌ای نسبت به بخش صنعت و توسعه صنعتی صورت گیرد. در استان لرستان، این مهم در اسناد بالادستی و به خصوص سند آمایش استان مورد توجه قرار گرفته است. در سند آمایش استان تأکید ویژه‌ای بر بخش صنعت صورت گرفته است و این بخش به عنوان اولویت نخست توسعه و سرمایه‌گذاری در استان لرستان تعیین شده است. با وجود تمرکز سند آمایش و سایر اسناد بالادستی بر توسعه صنعتی به عنوان موتور اصلی توسعه استان و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در زیربخش‌های صنعت در سطح استان، بررسی آمار تولید نشان می‌دهد که این بخش از وضعیت مناسبی برخوردار نیست از این‌رو لازم است موانع توسعه صنعتی در استان شناسایی شوند. شناسایی موانع اساسی توسعه صنعتی استان می‌تواند به برنامه‌ریزان اقتصادی در ارائه راهبردها و تدوین برنامه‌ها جهت نیل به اهداف توسعه‌ای استان مفید باشد.

به لحاظ نظری و تجربی مطالعات گسترده‌ای در زمینه بررسی موانع توسعه در داخل کشور صورت گرفته‌اند، بیشتر مطالعات صورت گرفته در این زمینه صرفاً بر متغیرهای فنی و اقتصادی تمرکز داشته‌اند و برخی نیز صرفاً متغیرهای اجتماعی و فرهنگی را مورد بررسی قرار داده‌اند. از طرفی برای داشتن درک جامع و دست‌یافتن به نتیجه‌گیری کلی لازم است این فاکتورها در کنار هم مورد بررسی قرار گیرند. در این پژوهش برای نخستین بار موانع توسعه صنعتی در یک رویکرد کلی در سطح منطقه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرند. از این‌رو، در کنار هدف اصلی پژوهش که شناسایی و رتبه‌بندی موانع توسعه صنعتی است، مقایسه تأثیر عوامل نهادی و اجتماعی در کنار عوامل فنی و اقتصادی از اهداف فرعی این پژوهش به شمار می‌رود. بنابراین می‌توان گفت اینکه "موانع توسعه صنعتی استان لرستان کدامند؟" و "هر کدام از عوامل چه وزنی در عدم توسعه صنعتی استان دارند؟" و اینکه "اهمیت متغیرهای نهادی و اجتماعی در مقایسه با متغیرهای فنی و اقتصادی در عدم توسعه صنعتی استان به چه میزان است؟" پرسش‌هایی هستند که این پژوهش درصدد یافتن جواب برای آنهاست.

محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به‌گونه‌ای کم‌هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا و از این رهگذر به عنوان دست یاری‌دهنده بازار موجبات رشد و توزیع برابر درآمد را فراهم سازد. تدارک موفقیت‌آمیز این نهادها تحت عنوان حکمرانی خوب مطرح می‌گردد. اگر شعار دوره اول را دولت، موتور توسعه و دوره دوم را دولت کوچک بدانیم، شعار دوره سوم حکمرانی خوب است. در واقع در دوره سوم ماهیت مسئله تغییر یافت، در دوره‌های پیشین مسئله ابعاد دولت (بزرگی و کوچکی آن) مطرح بود، اما در این دوره مسئله کمیت دولت جای خود را به کیفیت مداخله دولت داده است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۷۴؛ مرادی و سلمانپور، ۱۳۹۶: ۳۸).

اگر چه درباره ماهیت، علل و راهکارهای رفع عقب‌ماندگی جوامع هیچگاه توافقی شکل نگرفته است؛ اما به رغم اختلاف دیدگاه‌ها، دولت و چارچوب نهادی جامعه، بازیگر مهمی در این فرایند به حساب می‌آیند. چارچوب نهادی کشور از مجموع و نوع رابطه بین نهادهای اجتماعی حاصل می‌شود. نهادهای اجتماعی همچون: اقتصاد، سیاست، آموزش، دین، بوروکراسی و... که هر کدام علاوه بر اینکه کارکرد به خصوصی را در جامعه بر عهده دارند و زندگی اجتماعی را برای کنش‌گران خرد مهیا می‌کنند، بر یکدیگر نیز اثرگذار هستند (قاسمی و شالچی، ۱۳۹۷: ۲۰۷).

تأکید بر اهمیت نهادها در فرایند توسعه همراه با توسعه مکتب نهادگرایی گسترش یافته است (آقاصفری و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۵). در اواخر قرن ۲۰ مکتب نهادگرایی و نهادگرایی جدید مورد علاقه رشته‌های گوناگون به خصوص اقتصاد، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی قرار گرفت. مکتب نهادگرایی بر اهمیت نهادهای اجتماعی و تاریخی جوامع تأکید دارد و اقتصاد نهادی بر مبادلات تمرکز می‌کند. به نظر آنها و با انتقاد از رویکردهای سابق در اقتصاد همچون مکتب نئوکلاسیک که فرد را در کنش‌های اقتصادی همچون عاملی مختار و عقلانی در نظر می‌گرفت، نهادها به مثابه هنجارها و قواعد بر روی رفتارهای اقتصادی انسان‌ها تأثیرگذارند. از دیدگاه مکتب نهادگرایی نهاد محدودیت‌هایی را بر انسان‌ها تحمیل می‌کند. این محدودیت‌ها شامل قواعد رسمی شامل قانون اساسی، قوانین موضوعه، قوانین عادی آیین‌نامه‌ها؛ و همچنین محدودیت‌های غیررسمی شامل هنجارها، عرف و قواعد رفتاری است. همچنین، نورث^۱

به منظور یافتن پاسخی برای این پرسش‌ها در این پژوهش از روش تحلیل سلسله مراتبی استفاده خواهد شد. بدین منظور ابتدا ضمن بررسی ادبیات موضوع و با استفاده از نظرات صاحب‌نظران در سطح استان موانع توسعه صنعتی شناسایی شده و طبقه‌بندی می‌شوند. در ادامه درخت تصمیم رسم می‌گردد و با استفاده از آن پرسشنامه متناسب تدوین می‌شود و در نمونه انتخابی از جامعه هدف توزیع می‌گردد، و در نهایت با تحلیل پرسشنامه‌ها با استفاده از رویکرد تحلیل سلسله مراتبی رتبه و اهمیت نسبی هر کدام از فاکتورها محاسبه خواهد شد.

۲- ادبیات موضوع

از زمان ظهور علم اقتصاد توسعه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی به سه دوره متمایز قابل تفکیک است. دوره نخست از پایان جنگ جهانی دوم شروع می‌شود و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه می‌یابد. در این دوره نظریات اقتصاد کینزی دولت را عامل تصحیح‌کننده شکست بخش خصوصی می‌دانستند که با طرح‌های عمرانی دولتی و صرفه‌های مقیاس حاصل شده از آن، فرایند توسعه را تسریع می‌بخشید. در دوره دوم و رویکرد مکتب شیکاگو که به اجتماع واشینگتنی معروف شد، باور به قدرت بخش خصوصی و انتخاب مردم بود و کارآمدی رقابت و قیمت‌ها جای تخصیص دولتی منابع را می‌گرفت. طبق این دیدگاه، بخش خصوصی بهترین نتایج را به بار می‌آورد و قیمت‌ها بهترین تخصیص‌دهنده منابع هستند. هرگونه دخالت دولتی برای تغییر در آنچه بخش خصوصی به وجود می‌آورد حتی در زمینه توزیع درآمد، ضدتولید است. نگاه به دولت از عامل توسعه به جدی‌ترین مانع توسعه تغییر یافت. فرض می‌شد که نهاد دولت تحت فشار گروه‌های ذینفع و هم‌سود، به دستگاه تولید و توزیع افزوده می‌شود (ملکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۵). پس هر اندازه دولت کوچک‌تر شود بهتر است. سیاست‌های تعدیل در اواسط دهه ۱۹۹۰ که در نتیجه تمرکز بر کوچک‌سازی دولت صورت گرفته بود مورد انتقاد گسترده اقتصاددانان نهادگرا و در رأس آنها جوزف استیگلیتز قرار گرفت. استیگلیتز معتقد است، تعامل سازنده دولت-بازار می‌تواند راهگشای موفقیت فرایند اصلاحات اقتصادی باشد. بر این اساس دولت و بازار نه تنها دو نهاد رقیب نیستند، بلکه دو نهاد مکمل هستند. در واقع دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز، می‌باید با ایجاد نهادهای کارآمد،

1. North

رفتار سازمانی در سازمان‌های بخش‌دولتی و همچنین اثربخشی این سازمان‌ها را به عنوان یک عامل مؤثر در این زمینه برشماریم. در سال‌های اخیر دانشمندان مدیریت به ارائه یک دیدگاه اجتماعی از سازمان پرداخته‌اند که به جای مبتنی بودن بر اثربخشی و فرصت‌گرایی، بیشتر بر اساس ایجاد و انتقال دانش می‌باشد. بر این اساس مزیت سازمانی می‌تواند از قابلیت‌های مجزا برای تولید و ارتباط ایده‌ها و اطلاعات در یک سازمان منتج شود، یک دارایی حیاتی و مهم از به حد اکثر رساندن مزیت سازمانی همان سرمایه اجتماعی سازمانی می‌باشد که در بافت روابط اجتماعی نهفته بوده و می‌توان آن را برای تسهیل فعالیت بسیج کرد (اندروس^۶، ۲۰۰۷: ۱۰).

سرمایه اجتماعی در گروه‌ها و سازمان‌ها منجر به تغییر رفتاری می‌شود. این تغییر هم موجب سهیم شدن بیشتر در دانش شده و به نوبه خود به طور مثبت بر عملکرد سازمان و شغل تأثیر می‌گذارد. گسترش روابط که باعث ایجاد حس اعتماد و تعهد دو طرفه و ایجاد زبان و موقعیت مشترک می‌شود، به عنوان تولیدکننده سرمایه اجتماعی تلقی می‌شوند و این سرمایه اجتماعی به نوبه خود محیطی را ایجاد می‌کند که عملکرد در آن به صورت مثبت تحت تأثیر قرار می‌گیرد (لسر و استورک^۷، ۲۰۰۱: ۸۳۷). از اینرو می‌توان گفت که بهبود عملکرد سازمان‌ها یکی از پیش‌نیازهای اصلی رشد و توسعه است و عامل اصلی بهبود عملکرد سازمان سرمایه‌اجتماعی و عناصر تشکیل دهنده آن هستند (باورصاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۵).

سرمایه اجتماعی از کانال ارتقای سطح سرمایه انسانی و نشر اطلاعات نیز بر عملکرد اقتصادی جوامع مؤثر است. اعتماد اجتماعی به عنوان مهمترین بعد سرمایه اجتماعی ارزشی اساسی است که ارتباط و مبادله اجتماعی را شکل می‌دهد و از این طریق هزینه‌های نظارت و معامله و نیاز به مداخله برای پیشگیری از عدم صداقت را کاهش می‌دهد و باعث می‌شود کنش‌گران در عرض جامعه با یکدیگر همکاری کنند و منابع متنوع نظیر اطلاعات و مهارت‌ها و دانش را با هم به اشتراک بگذارند. در همین زمینه کلمن نیز بر آن است که سرمایه اجتماعی تسکین‌دهنده و کاهش‌دهنده اثر زیان‌های اقتصادی است. سرمایه اجتماعی شامل تعهدات و انتظارات، پتانسیل

تعریف نهاد و سازمان را از یکدیگر جدا می‌کند. به نظر وی نهادها قواعد بازی هستند و سازمان‌ها بازیکنان آن خواهند بود. به نظر وی باورها نهادها را شکل می‌دهد و نهادها سیاست‌ها را سازماندهی می‌کند و سیاست‌ها نتایج را به بار می‌آورد (متوسلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۵).

نهادها محدودیت‌های طراحی شده از طرف انسان برای شکل دادن به تعاملات انسانی است که تغییرات آن ناشی از تغییر ترجیحات افراد و قیمت‌های نسبی است (نورث، ۱۹۹۰: ۵۴).

اثرگذاری نهادها در کاهش ریسک و نااطمینانی، کاهش هزینه‌های مبادله، افزایش بهره‌وری و غیره، از دهه ۹۰ میلادی و تأکید بر عوامل نهادی به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر متغیرهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مورد توجه ویژه محققان قرار گرفت. با توجه به نقش بسیار مهم نهادها در تعیین متغیرهای اقتصادی جامعه، این سؤال مطرح می‌شود که مهمترین عوامل مؤثر بر نهادها چه عواملی هستند؟ بنابراین بررسی عوامل مؤثر بر نهادها مانند سرمایه انسانی و اجتماعی، وفور منابع طبیعی و غیره به منظور ارائه راهکارهایی برای بهبود عملکرد آنها و اثرگذاری مطلوب نهادها بر دیگر متغیرهای جامعه اهمیت خاصی پیدا می‌کند (امیری و شاه‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۱۲).

یکی از عوامل تأثیرگذار بر تغییرات ترتیبات نهادی کشورها سرمایه اجتماعی^۱ است. سرمایه اجتماعی را می‌توان مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی دانست که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای جامعه و پایین آمدن هزینه مبادلات می‌شود (فوکویاما^۲، ۲۰۰۱: ۲۱؛ بارونس‌موته و همکاران^۳، ۲۰۱۵: ۲۸۶). این تأثیر می‌تواند از طریق اثرگذاری مثبت بر حس اطمینان افراد جامعه نسبت به همدیگر، احساس مسئولیت نسبت به همدیگر، افزایش انباشت سرمایه انسانی و اثرگذاری بر بهره‌وری و رشد و توسعه اقتصادی اتفاق بیفتد (ساباتینی^۴، ۲۰۰۹: ۴۳۵؛ ماراکو و پاسی^۵، ۲۰۱۰: ۹۹۷).

با توجه به مباحث مطرح شده اگر جهت نیل به توسعه همکاری و تعامل میان سازمان‌های دولتی در تمام ابعاد آنها با بخش خصوصی و جامعه مدنی را یک ضرورت بدانیم، می‌توان

1. Social Capital
2. Fukuyama (2001)
3. Barnes-Mauth et al. (2015)
4. Sabatini (2009)
5. Marrocu & Paci (2010)

6. Andrews (2007)
7. Lesser & Stork (2001)

بنا نهاده شده، نهاد بوروکراسی است. ویر در راستای تقسیم‌بندی که از انواع اقتدار ارائه می‌دهد از اقتدار عقلایی یا قانونی-دیوان سالارانه نام می‌برد. به نظر وبر اقتدار یا سیادت عقلایی مبتنی است بر اعتقاد به قانونی بودن مقررات موجود و حق اعمال سیادت کسانی که این مقررات آنان را برای اعمال سیادت فراخوانده است. تأکید وی بیانگر آن است که بوروکراسی الگوی تأثیرات یک فرایند کیفی در روابط ساختاری است که از آن به عنوان عقلانی شدن نام می‌برد (قاسمی و شالچی، ۱۳۹۷: ۲۰۳).

اقتصاددانان در مطالعه سرمایه اجتماعی، دو نوع رویکرد را برگزیده‌اند، رویکرد کلان (کلی) و رویکرد خرد (جزئی و فردی)، مطالعات اقتصاد کلان ممکن است از هدف تخصصی اقتصاددانان سرچشمه گرفته باشند؛ چنانچه قرار است سرمایه اجتماعی هم‌تراز سرمایه‌های انسانی، طبیعی، (محیطی) و فیزیکی تلقی شود، می‌بایست اهمیت خود را در آمارهای حسابداری رشد نشان دهد.

از دیدگاه سولو^۳ اگر سرمایه اجتماعی کمکی به فرایند رشد اقتصادی بکند، به عنوان یک عامل فرعی در حسابداری رشد ظاهر می‌شود. برخی نویسندگان معتقدند، نقش گسترده‌ای که این عامل فرعی در رشد اقتصادهای پیشرفته داشته به طور غیرمستقیم اهمیت سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد. اما برخی دیگر از نویسندگان معتقدند که یک عامل فرعی نمی‌تواند تا این اندازه اهمیت داشته باشد. به عنوان مثال کیم و لائو^۴ (۱۹۹۴) و یانگ^۵ (۱۹۹۳) نشان دادند که رشد چشمگیر اقتصاد در کشورهای آسیای شرقی، غالباً ناشی از تراکم سرمایه (فیزیکی و انسانی) و نیروی کار بوده است (سولو، ۱۹۹۲: ۸۶).

داسگوپتا^۶ هم معتقد است، این حقیقت که تغییر عامل فرعی در حسابداری رشد نشان داده نمی‌شود، به این معنی نیست که سرمایه اجتماعی در تشریح رشد اقتصادی اهمیتی ندارد. دو جامعه را تصور کنید که در یک زمان مشخص، در سطوح نیروی کار و سرمایه کاملاً یکسان باشند و تنها تفاوت آنها در بهره‌وری کلی عوامل باشد. به نظر می‌رسد که تفاوت در بهره‌وری کلی عوامل ناشی از تفاوت در سرمایه اجتماعی دو جامعه است. در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی بیشتر است،

اطلاعاتی، و هنجارها و ضمانت‌های مؤثری است که درون و بیرون از خانواده سرمایه انسانی را ایجاد می‌کند (سالار و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۹).

از طرفی، رابرت پاتنام^۱ نقش پیوندهای اجتماعی را، به عنوان شکلی از سرمایه اجتماعی، در توسعه اقتصادی غیرقابل انکار می‌داند چرا که به اعتقاد وی روابط و پیوندهای اجتماعی در نتیجه اعتماد که وی آن را مهم‌ترین عنصر سرمایه اجتماعی می‌داند، شکل می‌گیرند و در این حالت افراد جامعه آمادگی همکاری و مشارکت به صورت گروهی را در امور مختلف جامعه خواهند داشت و نسبت به جامعه احساس تعهد و مسئولیت بیشتری خواهند نمود. در نتیجه اعتماد در دو سطح فردی و اجتماعی جامعه به سوی جامعه‌ای شاد که همه به نوعی در تعالی آن همکاری دارند پیش خواهد رفت که در نهایت چنین جامعه‌ای قادر خواهد بود هر چه بیشتر به اهداف خود در زمینه توسعه پایدار دست‌یابد (پاتنام، ۱۹۹۵: ۶۶۷).

از این‌رو فرهنگ به عنوان یک ابزار برای رسیدن به توسعه اقتصادی مد نظر قرار دارد. در طول فرایند توسعه اقتصادی، انتقال سرمایه فرهنگی به سرمایه اقتصادی صورت می‌گیرد. بسیاری از اقتصاددانان به درستی اشاره می‌کنند که تفاوت در عملکرد اقتصادی از یک جامعه به جامعه دیگر را بهتر است بر اساس اختلالاتی که در عوامل فرهنگی وجود دارد تعیین کرد (حسین‌پناهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۳). همچنین، شواهد تجربی تأییدکننده این مطلب‌اند که عوامل بسیاری از جمله سرمایه اجتماعی که آن را می‌توان تأثیر اقتصادی مؤلفه‌های فرهنگی یک سیستم اجتماعی مانند اعتماد، مشارکت داوطلبانه، هنجارهای حرفه‌ای، پاسخگویی و ... دانست، بر شکل‌دهی تعهد سازمانی تأثیرگذارند (کلین و پارک^۲، ۲۰۱۵: ۳۳۸).

با بررسی نظریات مختلف در تعریف و تفسیر نهادهای اجتماعی می‌توان نتیجه گرفت که باید مفاهیمی همچون هنجارها و عرف‌ها به مثابه قواعد غیررسمی و قانون به مثابه قواعد رسمی، ایجاد محدودیت در رفتار کنش‌گران، تعامل کنش‌گران با یکدیگر در ساخت نهاد و استمرار نسبی آن در بستر زمان و مفهوم منفعت در محوریت اصلی تعریف نهاد قرار داشته باشد. از این‌رو می‌توان گفت، یکی از نهادهای مهمی که در جامعه مدرن شکل گرفته و بر اساس تفکیک ساختی جامعه

3. Solow

4. Kim & Lau (1994)

5. Young (1993)

6. Dasgupta (2000)

1. Putnam (1995)

2. Kelin & Park (2015)

امنیت اجتماعی و سطح اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی از عوامل مؤثر بر کارکرد منابع در راستای توسعه هستند.

عوامل مؤثر بر توسعه صنعتی از ادبیات گسترده‌ای برخوردار است. در ادامه به صورت مختصر به برخی از مطالعات صورت گرفته در داخل و خارج از کشور که نقش عوامل نهادی و اجتماعی بر توسعه را مورد بررسی قرار داده‌اند اشاره می‌شود.

سالار و همکاران نقش سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه صنعتی ایران را در دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۰ مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه بمنظور بررسی نقش سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه صنعتی از داده‌های پنل نامتوازن و همچنین روش رگرسیون چندگانه به روش گام به گام و تحلیل مسیر استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی بعد از کیفیت نهادی مهم‌ترین عامل مؤثر بر سطح توسعه یافتگی صنعتی در جامعه است. همچنین بررسی مسیرهای علی نیز نشان می‌دهد که سرمایه انسانی مهم‌ترین مسیر علی مؤثر است (سالار و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۹).

ادهمی و هاتفی در مطالعه‌ای به بررسی نقش زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی در فرایند توسعه اقتصادی پرداخته‌اند. هدف این تحقیق شناسایی زمینه‌های فرهنگی توسعه اقتصادی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در شمالغرب ایران بود. متغیرهای تحقیق شامل اعتماد متقابل اجتماعی، همدلی اجتماعی، حمایت دولتی و عدالت اجتماعی و متغیر وابسته زمینه‌های فرهنگی توسعه اقتصادی بودند. در این تحقیق از نظریه‌های مختلف از جمله نظریه لرنر، کلمن، میردال و گیدنز استفاده شده است. روش تحقیق، پیمایشی و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. نتایج بدست آمده از آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی نشانگر اعتبار و پایایی بالای سؤالات بودند. جامعه آماری، کارگزاران صنعتی شهرهای تبریز و ارومیه بوده و کارگاه‌های ۱۰ تا ۵۰ نفر کارکن انتخاب شدند. حجم نمونه با روش کوکران انجام گرفت که تعداد ۴۶۲ کارگزار بدست آمد. نمونه‌های مورد نظر با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب و تصادفی ساده انتخاب شدند. برای تحلیل دو متغیره از پیرسون و تحلیل چند متغیره از رگرسیون استفاده شد. نتایج حاصل شده نشان داد که بین متغیرهای مستقل با وابسته همبستگی وجود دارد. در تحلیل چند متغیره از بین متغیرهای وارد شده به روش گام به گام، متغیر اعتماد متقابل اجتماعی به دلیل اینکه از ضریب پیش‌بینی بالایی برخوردار بود، به عنوان متغیری انتخاب

مردم بیش از جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی در آن کمتر است به یکدیگر اطمینان می‌کنند. این امر در ابتدا سبب کاهش هزینه‌های مبادله، کاراتر عمل‌کردن نهادها، تهیه کالاهای عمومی با هزینه کمتر و... و در نهایت، افزایش تولید کل در جامعه‌ای می‌شود که سرمایه اجتماعی بیشتری دارد. فرض کنید در خلال دوره یک ساله، بهره‌وری کلی عوامل در هر دو جامعه ثابت بماند. همچنین فرض کنید که مردم هر دو جامعه تصمیم دارند در هر سال S درصد از تولید کل خود را به صورت ثابت، پس‌انداز کرده و در سرمایه فیزیکی و انسانی سرمایه‌گذاری کنند، به آسانی می‌توان ثابت کرد که حتی اگر فرض کنیم که عامل فرعی تغییری نمی‌کند شکاف درآمدی (تولیدکل) بین دو جامعه به طور فزاینده‌ای افزایش خواهد یافت. داسگوپتا نتیجه می‌گیرد که: فقدان یک عامل فرعی در محاسبات رشد، به این معنی نیست که سرمایه اجتماعی تأثیری بر اقتصاد کلان ندارد و نمی‌توان سرمایه اجتماعی را به عنوان یک عامل فرعی در نظر گرفت (داسگوپتا، ۲۰۰۰: ۱۸).

در حقیقت همان‌گونه که متخصصین اقتصاد کلان، اظهار می‌دارند که روابط متقابل فعال بین افراد منجر به انتقال دانش، افزایش سطح سرمایه انسانی و توسعه اعتماد متقابل می‌شود که همه اینها در نهایت از طریق کاهش هزینه‌های مبادله سبب بهبود عملکرد بازارها می‌شوند. به طور کلی این روابط متقابل بین افراد که به طور خلاصه سرمایه‌های اجتماعی نامیده می‌شوند در تابع تولید کل (TPF) به وسیله یک عامل مقیاس نشان داده می‌شود. که این عامل مقیاس همان بهره‌وری کل عوامل تولید است (دهقانی، ۱۳۸۲: ۴۵).

بنابراین، به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت که عوامل فرهنگی و هنجارهای فردی و اجتماعی از طریق ایجاد نهادهای متناسب با خود می‌توانند از راه‌های مختلفی بر وضعیت توسعه و به خصوص توسعه صنعتی در یک جامعه تأثیرگذار باشند. اگر دیوان‌سالاری و سیستم اداری در سازمان‌های بخش خصوصی و دولتی تابعی از وضعیت هنجارها و قواعد غیررسمی جامعه باشد، بنابراین ساختارهای فرهنگی و هنجاری هر جامعه‌ای از طریق ایجاد نهاد بروکراسی توسعه‌گرا یا ضد توسعه می‌تواند بر روند توسعه تأثیرگذار باشند. همچنین توسعه تا حدود زیادی به نحوه بهره‌برداری از عوامل و منابع موجود بستگی دارد و عوامل فرهنگی و هنجاری نظیر فرهنگ کار، فرهنگ سرمایه‌گذاری و رفتارهای مصرفی و همچنین

رفتار انحصارگر در رویکرد اقتصاد خرد نئوکلاسیک به عنوان الگوی پایه استفاده شده است. در این رویکرد، با افزایش سرمایه اجتماعی، نوآوری در بنگاه‌ها و همچنین تولید بنگاه‌های انحصارگر افزایش می‌یابد. بر پایه الگوی ارائه شده می‌توان پیش‌بینی نمود که همراه با افزایش نسبت تولید سرانه نیروی کار در بخش‌های نوآور، رشد اقتصادی افزایش می‌یابد (تامپسون، ۲۰۱۸: ۵۱).

مارکوسکا‌پریزیبلا و رمزی^۲ در مطالعه‌ای رابطه میان سرمایه اجتماعی و رشد بلندمدت منطقه‌ای را در کشور لهستان با استفاده از رویکردهای پرسشنامه‌ای و رویکرد اقتصاد آزمایشگاهی با استفاده از نظریه بازی‌ها مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه آمده است از آنجایی که عوامل تعیین‌کننده رشد بلندمدت اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است و رویکردهای جدید در علم اقتصاد توجه به عوامل غیراقتصادی مؤثر بر رشد بلندمدت است، بررسی سرمایه اجتماعی با تأکید بر راستگویی و اعتماد متقابل بر رشد مناطق مختلف کشور لهستان مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بدست آمده از این پژوهش بر پایه بررسی یک نمونه شامل ۱۵۴۰ دانشجو با استفاده از رویکرد نظریه بازی آزمایشگاهی در کنار رویکرد پرسشنامه‌ای است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که همبستگی میان نتایج پرسشنامه‌ها و نتایج آزمایشگاهی کاملاً معنادار است. همچنین، نتایج بیان می‌کنند که تمایل به همکاری در مناطق روستایی لهستان بالاتر است و در نهایت نتایج نشان می‌دهند که سطح بالاتر سرمایه اجتماعی با سطوح بالاتر سایر عناصر رشد پایدار همراه است (مارکوسکا‌پریزیبلا و رمزی، ۲۰۱۸: ۱۶).

ییلدیریم و گوکالپ^۳ در مطالعه‌ای به بررسی و تحلیل رابطه میان کیفیت نهادی و عملکرد اقتصاد کلان در کشورهای در حال توسعه پرداختند. بدین منظور، داده‌های شامل ۲۳ متغیر که در برگیرنده ساختار نهادی هستند برای ۳۸ کشور در حال توسعه در خلال سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۱ جمع‌آوری گردیده و رابطه میان متغیرها با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نماگرهای نهادی نظیر یکپارچگی سیستم قانون‌گذاری، قوانین مربوط به تعرفه‌های تجاری، محدودیت‌های سرمایه‌گذاری

شد که بیشترین اثر را بر متغیر وابسته داشت (ادهمی و هاتفی، ۱۳۹۶: ۱).

شاگردی و همکاران در مطالعه‌ای تأثیر کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را مورد بررسی قرار دادند و همچنین شاخص ترکیبی جدیدی را برای اندازه‌گیری کیفیت نهادی در این کشورها معرفی نموده‌اند. برای برآورد تأثیر کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی در این کشورها از داده‌های مربوط به سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۲ استخراج شده و از روش داده‌های تابلویی برای برآورد ضرایب استفاده شده است. در این مطالعه برای اندازه‌گیری کیفیت نهادی از شاخص‌های حکمرانی خوب استفاده شده است. نتایج حاصل از برآورد الگوها نشان می‌دهد کیفیت بروکراسی رابطه مثبت و معناداری با رشد اقتصادی دارد. ثبات سیاسی و کنترل فساد رابطه منفی و اثربخشی دولت، حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی و حاکمیت قانون رابطه مثبت اما بی‌معنی را نشان می‌دهد. در این مطالعه سپس الگوی دیگری که با شاخص حکمرانی خوب که از ترکیب شش شاخص موجود به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی بدست آمده بود برآورد گردید، نتایج وجود رابطه مثبت و معنادار میان کیفیت نهادی و رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منا را در سطح معناداری ۱۰ درصد تایید می‌کند (شاگردی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۳).

شیرخانی و واسعی زاده در مطالعه‌ای به صورت مقایسه‌ای رابطه میان سرمایه اجتماعی و رشد اقتصاد در کشورهای ایران و کره جنوبی را مورد بررسی قرار دادند. بر اساس نتایج بدست آمده در این پژوهش ارتباط معناداری بین پایین بودن سطح کلی سرمایه اجتماعی در ایران و ناکامی در دستیابی به اهداف توسعه‌ای کشور مشاهده می‌شود. در مقابل، بالا بودن سطح سرمایه اجتماعی در کره جنوبی نقشی مثبت در دستیابی کره به جایگاه ممتاز از نظر توسعه اقتصادی دارد (شیرخانی و واسعی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۱۳).

تامپسون^۱ در مطالعه‌ای تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی را از طریق کانال نوآوری مورد بررسی قرار داده است. در این مطالعه این فرضیه که سرمایه اجتماعی از طریق تسهیل همکاری و تبادل اطلاعات در بین بنگاه‌های اقتصادی، که دو عامل اصلی نوآوری هستند، باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور از الگوهای

2. Markowska-Przybyła, & Ramsey (2018)

3. Yildirim & Gokalp (2016)

1. Thompson (2018)

ادبیات نظری و تجربی و همچنین استفاده از نظرات کارشناسان، موانع توسعه صنعتی استان در هفت دسته اصلی طبقه‌بندی شدند. طبقات اصلی عبارتند از: عوامل طبیعی (منابع طبیعی، آب و هوا)، عوامل مدیریتی و نیروی انسانی واحدهای تولیدی، عوامل مالی، عوامل سیاستی و اداری، عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل فنی، عوامل زیرساختی.

با توجه به مطالب مطرح شده در ادبیات موضوع، می‌توان عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر توسعه صنعتی را در سه طبقه از عوامل مورد بررسی قرار داد. عوامل مدیریتی و نیروی انسانی واحدهای تولیدی، عوامل سیاستی و اداری، و عوامل فرهنگی و اجتماعی سه دسته‌ای هستند که نشان دهنده وضعیت کیفیت نهادی و عوامل اجتماعی مؤثر بر توسعه هستند. دسته‌بندی کلی موانع توسعه صنعتی در استان لرستان و متغیرهای موجود در هر دسته در جدول شماره (۱) نشان داده شده است.

در ادامه، به منظور اولویت‌بندی این عوامل پرسشنامه‌هایی تدوین گردید. جامعه آماری این پژوهش کلیه نخبگان (شامل کارشناسان دستگاه‌های دولتی و خصوصی، مدیران و صاحب‌نظران توسعه استان) می‌باشند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری گلوله برفی برای انتخاب نمونه‌ها استفاده می‌شود. حجم نمونه برابر با ۳۰ نفر بوده است و پرسشنامه‌های تدوین شده برای تجزیه و تحلیل نظرات نمونه انتخابی در رابطه با اولویت‌بندی موانع توسعه صنعتی استان لرستان از رویکرد تحلیل سلسله مراتبی^۱ استفاده شده است.

در علم تصمیم‌گیری که در آن انتخاب یک راهکار از بین راهکارهای موجود یا اولویت‌بندی راهکارها مطرح است، اخیراً روش‌های تصمیم‌گیری با شاخص‌های چندگانه جای خود را باز کرده‌اند. از این میان رویکرد تحلیل سلسله مراتبی (AHP) بیش از سایر روش‌ها در علم مدیریت مورد استفاده قرار گرفته است. فرایند تحلیل سلسله مراتبی اولین بار توسط توماس ال. ساعتی^۲ عراقی الاصل در دهه ۱۹۷۰ ابداع گردید. فرایند تحلیل سلسله مراتبی منعکس‌کننده رفتار طبیعی و تفکر انسانی است. این تکنیک، مسائل پیچیده را بر اساس آثار متقابل آنها مورد بررسی قرار می‌دهد و آنها را به شکلی ساده تبدیل کرده و به حل آن می‌پردازد. فرایند تحلیل سلسله مراتبی در هنگامی که عمل تصمیم‌گیری با چند گزینه رقیب و معیار

خارجی، سهم بخش خصوصی از اعتبارات بانکی، و قوانین مربوط به استخدام و اخراج نیروی کار تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد اقتصاد کلان در کشورهای در حال توسعه دارند (بیلدریم و گوکالپ، ۲۰۱۶: ۳۴۷).

لازم به ذکر است که در مطالعات صورت گرفته تاکنون اهمیت عوامل به تفکیک عوامل اقتصادی و فنی و عوامل اجتماعی و نهادی بر فرایند توسعه صنعتی به صورت کلی و یا در سطح منطقه‌ای مورد بررسی قرار نگرفته است. از این‌رو هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر این عوامل در کنار همدیگر بر فرایند توسعه صنعتی و شناسایی وزن و اهمیت این عوامل نسبت به همدیگر در فرایند توسعه صنعتی است.

۳- روش‌شناسی

در این پژوهش با توجه به اهداف و سؤال‌های پژوهش، به طور کلی می‌توان روش تحقیق را رویکردی توصیفی دانست. در رابطه با نوع پژوهش نیز می‌توان گفت با توجه به اینکه هدف بررسی وزن و اهمیت و همچنین رتبه‌بندی فاکتورهای مؤثر بر عدم توسعه صنعتی در استان است روش پژوهش علی و پس رویدادی است.

محدوده مکانی این پژوهش (زیربخش‌های صنعتی) استان لرستان است. جامعه آماری این پژوهش کلیه نخبگان (شامل کارشناسان دستگاه‌های دولتی و خصوصی، مدیران و صاحب‌نظران توسعه استان) می‌باشند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری گلوله برفی برای انتخاب نمونه‌ها استفاده خواهد شد.

همان‌گونه که بحث شد، یکی از اهداف این پژوهش بررسی تأثیرگذاری عوامل اجتماعی و نهادی بر فرایند توسعه است که در سایر مطالعات صورت گرفته کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش سعی شده است تا با یک دید کلی تأثیر عوامل اجتماعی و نهادی در کنار سایر عوامل بر عدم توسعه صنعتی مورد بررسی قرار گیرد تا از این طریق بتوان با دید کامل‌تری موانع توسعه را شناسایی نمود. نتایج بدست آمده از این رویکرد می‌تواند در طراحی و تدوین راهبردها و برنامه‌های توسعه اثربخشی بیشتری داشته باشد.

قدم نخست در این رویکرد شناسایی موانع و تنگناهای توسعه در چارچوب متغیرهای اقتصادی و اجتماعی است. بدین روی، به‌منظور شناسایی موانع توسعه صنعتی، ضمن مرور

1. Analytic Hierarchy Process

2. Thomas L.Saaty

تصمیم‌گیری روبه‌روست می‌تواند استفاده گردد. معیارهای مطرح شده می‌تواند کمی و کیفی باشند. اساس این روش تصمیم‌گیری بر مقایسات زوجی نهفته است (مهرگان، ۱۳۸۳: ۱۷۰).

جدول ۱. دسته‌بندی عوامل مؤثر بر عدم توسعه صنعتی استان لرستان

عنوان طبقه	دسته‌بندی کلی
فاکتورهای مورد بررسی در طبقه	
۱- محدودیت نیروی کار ماهر، ۲- نداشتن استراتژی بازاریابی، ۳- کمبود مدیر متخصص، ۴- نداشتن برنامه‌ریزی صحیح توسعه تولید	عوامل مدیریتی و نیروی انسانی واحدهای تولیدی
۱- ناکارآمدی سیستم اداری، ۲- فرایند اخذ مجوز، ۳- تضاد قوانین و مقررات، ۴- فقدان مشوق‌ها و تخفیف‌های مالیاتی، ۵- نبود همکاری لازم میان ارگان‌های دولتی، ۶- نبود استراتژی و برنامه بلندمدت توسعه، ۷- بی‌ثباتی مدیریت در استان، ۸- وابستگی برنامه‌های ارگان‌های دولتی به تغییرات سیاسی	عوامل نهادی و اجتماعی
۱- ضعف فرهنگ کار، ۲- ضعف روحیه کارجمعی، ۳- فرهنگ مصرف‌گرا، ۴- ارزش‌های فرهنگی ضدتولید و سرمایه‌گذاری، ۵- ضعف امنیت فردی و اجتماعی	عوامل فرهنگی و اجتماعی
۱- ضعف مراکز علمی و پژوهشی استان، ۲- نبود ارتباط مناسب میان دانشگاه و صنعت، ۳- بالابودن نرخ استهلاک، ۴- عدم وجود صنایع مکمل	عوامل فنی
۱- ضعف شبکه حمل و نقل، ۲- ضعف شبکه برق و انرژی، ۳- ضعف زیرساخت‌های اینترنتی و مخابراتی، ۴- ضعف زیرساخت‌های بهداشتی	عوامل زیرساختی
۱- محدودیت دسترسی به منابع طبیعی و مواد اولیه، ۲- کمبود منابع آب، ۳- نامساعد بودن آب و هوا و مخاطرات طبیعی (سیل و زلزله)، ۴- بیماری و امراض واگیردار (دامی و انسانی)	عوامل اقتصادی و فنی
۱- محدودیت منابع بانکی، ۲- هزینه ماشین آلات و تجهیزات، ۳- هزینه زمین و ساختمان، ۴- هزینه حمل‌ونقل	عوامل مالی

مأخذ: یافته‌های پژوهش با توجه به بررسی ادبیات تجربی

می‌تواند وابسته باشد و به صورت خطی این وابستگی تا بالاترین سطح می‌تواند ادامه داشته باشد. انتظارات: هرگاه تغییری در ساختمان سلسله مراتبی رخ دهد پروسه ارزیابی باید مجدداً انجام گیرد (قدسی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۳). بکارگیری این روش مستلزم چهار قدم عمده زیر می‌باشد:

الف) مدل سازی

در این قدم، مسئله و هدف تصمیم‌گیری به صورت سلسله مراتبی از عناصر تصمیم که با هم در ارتباط می‌باشند، درآورده می‌شود. عناصر تصمیم شامل «شاخص‌های تصمیم‌گیری» و «گزینه‌های تصمیم» می‌باشد. فرایند تحلیل سلسله مراتبی نیازمند شکستن یک مسئله با چندین شاخص به سلسله مراتبی از سطوح است. سطح بالا بیانگر هدف اصلی فرایند تصمیم‌گیری است. سطح دوم، نشان دهنده شاخص‌های عمده و اساسی که ممکن است به شاخص‌های فرعی و جزئی‌تر در سطح بعدی شکسته شود) می‌باشد. سطح آخر گزینه‌های تصمیم را ارائه می‌کند (مهرگان، ۱۳۸۳: ۱۷۲).

ب) قضاوت ترجیحی (مقایسات زوجی)

انجام مقایسه‌هایی بین گزینه‌های مختلف تصمیم، بر اساس هر

تصمیم‌گیرنده با فراهم آوردن درخت سلسله مراتبی تصمیم، آغاز می‌کند. درخت سلسله مراتب تصمیم، عوامل مورد مقایسه و گزینه‌های رقیب مورد ارزیابی در تصمیم را نشان می‌دهد. سپس یک سری مقایسات زوجی انجام می‌گیرد. این مقایسات وزن هر یک از فاکتورها را در راستای گزینه‌های رقیب مورد ارزیابی در تصمیم را نشان می‌دهد. در نهایت منطق فرآیند تحلیل سلسله مراتبی به گونه‌ای ماتریس‌های حاصل از مقایسات زوجی را با یکدیگر تلفیق می‌سازد که تصمیم بهینه حاصل آید. توماس ساعتی چهار اصل زیر را به عنوان اصول فرآیند تحلیل سلسله مراتبی بیان نموده و کلیه محاسبات، قوانین و مقررات را بر این اصول بنا نهاده است. این اصول عبارتند از: شرط معکوسی: اگر ترجیح عنصر A بر عنصر B برابر n باشد، ترجیح عنصر B بر عنصر A برابر $\frac{1}{n}$ خواهد بود. اصل همگنی: عنصر A با عنصر B باید همگن و قابل مقایسه باشند. به بیان دیگر برتری عنصر A بر عنصر B نمی‌تواند بی‌نهایت یا صفر باشد. وابستگی: هر عنصر سلسله مراتبی به عنصر سطح بالاتر خود

اولویت‌های حاصل از مقایسات اعتماد کرد. تجربه نشان داده است که اگر نرخ ناسازگاری کمتر از ۰/۱۰ باشد سازگاری مقایسات قابل قبول بوده و در غیر اینصورت مقایسه‌ها باید تجدید نظر شود. قدم‌های زیر برای محاسبه نرخ ناسازگاری به کار گرفته می‌شود:

گام ۱. محاسبه بردار مجموع وزنی: ماتریس مقایسه‌های زوجی در بردار ستونی «وزن نسبی» ضرب می‌شوند. بردار جدیدی را که به این طریق بدست می‌آید، بردار مجموع وزنی نامیده می‌شود.

گام ۲. محاسبه بردار سازگاری: عناصر بردار مجموع وزنی را بر بردار اولویت نسبی تقسیم کنید. بردار حاصل بردار سازگاری^۲ نامیده می‌شود.

گام ۳. بدست آوردن λ_{max} میانگین عناصر برداری سازگاری λ_{max} را به دست می‌دهد.

گام ۴. محاسبه شاخص سازگاری: شاخص سازگاری بصورت زیر تعریف می‌شود:

(۱)

$$CI = \frac{\lambda_{max} - n}{n - 1}$$

که در این رابطه n تعداد گزینه‌های موجود در مسئله است.

گام ۵. محاسبه نسبت سازگاری: نسبت سازگاری از تقسیم شاخص سازگاری بر شاخص تصادفی بدست می‌آید. نسبت سازگاری ۰/۱ یا کمتر سازگاری در مقایسات را بیان می‌کند (مهرگان، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

۴- نتایج برآورد مدل

در رویکرد تحلیل سلسله مراتبی در مرحله نخست اولویت میان شاخص‌های اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که از نظر پرسش‌شوندگان عوامل سیاستی و مدیریتی مهمترین عامل عدم توسعه صنعتی در استان هستند، ضریب بدست آمده برای متغیرهای این دسته برابر با ۰/۳۱ می‌باشد که بیان می‌دارد از میان عوامل ذکر شده عوامل سیاستی و مدیریتی ۳۱ درصد موانع عدم توسعه صنعتی استان را در خود جای داده است. عوامل و متغیرهای مالی با اهمیت ۰/۲۰۸ در جایگاه بعدی قرار دارند و بیانگر این مطلب است که عوامل مالی در جایگاه دوم موانع عدم توسعه صنعتی در استان لرستان هستند و بیش از ۲۰

شاخص و قضاوت در مورد اهمیت شاخص تصمیم با انجام مقایسه زوجی، بعد از طراحی سلسله مراتب مسئله تصمیم، تصمیم گیرنده می‌بایست مجموعه ماتریس‌هایی که به طور عددی اهمیت یا ارجحیت نسبی شاخص‌ها را نسبت به یکدیگر و هر گزینه تصمیم را با توجه به شاخص‌ها نسبت به سایر گزینه‌ها اندازه‌گیری می‌نماید، ایجاد کند. این کار با انجام مقایسات دو به دو بین عناصر تصمیم (مقایسه زوجی) و از طریق تخصیص امتیازات عددی که نشان دهنده ارجحیت یا اهمیت بین دو عنصر تصمیم است، صورت می‌گیرد. برای انجام این کار معمولاً از مقایسه گزینه‌ها با شاخص‌های λ ام نسبت به گزینه‌ها یا شاخص‌های λ ام استفاده می‌شود.

ج) محاسبات وزن‌های نسبی

تعیین وزن عناصر تصمیم نسبت به هم از طریق مجموعه‌ای از محاسبات عددی. قدم بعدی در فرایند تحلیل سلسله مراتبی انجام محاسبات لازم برای تعیین اولویت هر یک از عناصر تصمیم با استفاده از اطلاعات ماتریس‌های مقایسات زوجی است. خلاصه عملیات ریاضی در این مرحله به صورت زیر است. مجموع اعداد هر ستون از ماتریس مقایسات زوجی را محاسبه کرده، سپس هر عنصر ستون را بر مجموع اعداد آن ستون تقسیم می‌کنیم. ماتریس جدیدی که بدین صورت بدست می‌آید، «ماتریس مقایسات نرمال شده» نامیده می‌شود. میانگین اعداد هر سطر از ماتریس مقایسات نرمال شده را محاسبه می‌کنیم. این میانگین وزن نسبی عناصر تصمیم با سطرهای ماتریس را ارائه می‌کند.

د) ادغام وزن‌های نسبی

به منظور رتبه‌بندی گزینه‌های تصمیم، در این مرحله بایستی وزن نسبی هر عنصر را در وزن عناصر بالاتر ضرب کرد تا وزن نهایی آن بدست آید. با انجام این مرحله برای هر گزینه، مقدار وزن نهایی بدست می‌آید.

تقریباً تمامی محاسبات مربوط به فرایند تحلیل سلسله مراتبی بر اساس قضاوت اولیه تصمیم گیرنده که در قالب ماتریس مقایسات زوجی ظاهر می‌شود، صورت می‌پذیرد و هر گونه خطا و ناسازگاری در مقایسه و تعیین اهمیت بین گزینه‌ها و شاخص‌ها نتیجه نهایی به دست آمده از محاسبات را مخدوش می‌سازد. نرخ ناسازگاری^۱ وسیله‌ای است که سازگاری را مشخص ساخته و نشان می‌دهد که تا چه حد می‌توان به

2. Consistency Index (CI)

1. Inconsistency Ratio (I.R)

طبیعی قرار دارد.

جدول ۳. نتایج رتبه‌بندی فاکتورهای موجود در طبقه عوامل طبیعی

رتبه	عنوان فاکتور	ضریب اهمیت محاسبه شده	نرخ ناسازگاری
۱	محدودیت منابع تولید و مواد اولیه	۰/۴۹۰	
۲	محدودیت منابع آب	۰/۲۳۱	۰/۰۵
۳	امراض و بیماری‌های واگیردار	۰/۱۶۳	
۴	نامساعد بودن آب و هوا و مخاطرات طبیعی	۰/۱۱۶	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از بررسی فاکتورهای مدیریتی و نیروی انسانی واحدهای تولیدی بر عدم توسعه صنعتی استان لرستان نشان می‌دهد که در میان متغیرهای قرار گرفته در این طبقه نداشتن استراتژی بازاریابی از وزن بیشتری برخوردار است. بنابراین، می‌توان گفت از دیدگاه کارشناسان مربوطه نداشتن استراتژی و راهبرد بازاریابی مهمترین عامل تأثیرگذار بر عدم توسعه صنعتی استان در میان عوامل مدیریتی و نیروی انسانی است. نبود مدیران متخصص در واحدهای تولیدی در جایگاه دوم قرار دارد و سومین عامل تأثیرگذار این حوزه بر عدم توسعه صنعتی استان نداشتن برنامه توسعه تولید است. از نظر پرسش‌شوندگان عامل کمبود نیروی کار ماهر نسبت به سایر عوامل موجود در این طبقه اهمیت کمتری داشته است.

جدول ۴. نتایج رتبه‌بندی فاکتورهای موجود در طبقه عوامل

مدیریتی و نیروی انسانی مؤثر بر عدم توسعه صنعتی استان لرستان

رتبه	عنوان فاکتور	ضریب اهمیت محاسبه شده	نرخ ناسازگاری
۱	نداشتن استراتژی بازاریابی	۰/۳۶۲	
۲	کمبود مدیر متخصص	۰/۲۷۲	۰/۰۳
۳	نداشتن برنامه توسعه تولید	۰/۲۵۵	
۴	محدودیت نیروی کار ماهر	۰/۱۱۱	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که از میان عوامل مالی، محدودیت منابع بانکی مهمترین عامل تأثیرگذار بر عدم توسعه صنعتی استان به حساب می‌آید، ضریب اهمیت این متغیر برابر با ۴۷ درصد است و بیان‌کننده این واقعیت است که از دید پرسش‌شوندگان محدودیت دسترسی به منابع بانکی نزدیک به ۴۷ درصد مشکلات مالی را به خود

درصد مشکلات عدم توسعه استان ناشی از موارد مالی است. عوامل اجتماعی و فرهنگی در جایگاه سوم موانع توسعه استان هستند. نتایج نشان می‌دهد که ۱۴ درصد از موانع توسعه صنعتی استان در دسته عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارند.

نتایج حاصل از بررسی پرسش‌نامه‌ها نشان می‌دهد که عوامل مدیریتی و نیروی انسانی واحدهای تولیدی نزدیک ۱۰ درصد موانع توسعه صنعتی استان را در بر می‌گیرند. ضریب اهمیت عوامل زیرساختی در عدم توسعه صنعتی استان تقریباً ۱۰ درصد است و بیانگر این مطلب است که ۱۰ درصد موانع توسعه صنعتی استان ناشی از نبود زیرساخت‌ها است. عوامل فنی یکی دیگر از عوامل مورد بررسی در عدم توسعه صنعتی استان است، وزن بدست آمده برای این متغیر ۸ درصد است. بر اساس نتایج بدست آمده کمبود عوامل و منابع طبیعی کمترین نقش را در عدم توسعه صنعتی استان داشته است، وزن بدست آمده برای این دسته از متغیرها تقریباً ۵ درصد است. نرخ ناسازگاری بدست آمده برابر با صفر است که نشان دهنده عدم وجود ناسازگاری در میان پرسشنامه‌هاست. در جدول شماره (۲) نتایج حاصل از رتبه‌بندی فاکتورهای اصلی تأثیرگذار بر توسعه صنعتی استان لرستان آمده است.

جدول ۲. نتایج رتبه‌بندی فاکتورهای اصلی مؤثر بر عدم

توسعه صنعتی استان لرستان

رتبه	عنوان طبقه	ضریب اهمیت محاسبه شده	نرخ ناسازگاری
۱	عوامل سیاسی و اداری	۰/۳۱۴	
۲	عوامل مالی	۰/۲۰۸	
۳	عوامل فرهنگی و اجتماعی	۰/۱۴۰	
۴	عوامل مدیریتی و نیروی انسانی	۰/۱۰۸	۰/۰۰
۵	عوامل زیرساختی	۰/۰۹۹	
۶	عوامل فنی	۰/۰۸۰	
۷	عوامل طبیعی	۰/۰۵۱	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بررسی متغیرهای موجود در دسته عوامل و منابع طبیعی نشان می‌دهد در میان متغیرهای این دسته محدودیت منابع و مواد اولیه از درجه اهمیت بیشتری برخوردار است. پس از آن محدودیت منابع آب، امراض و بیماری‌های واگیردار انسانی و حیوانی و در نهایت متغیر نامساعد بودن آب و هوا و مخاطرات

میان متغیرهای قرار گرفته در این طبقه نبود مشوق‌ها و تخفیف‌های مالیاتی نسبت به سایر فاکتورها از اهمیت کمتری برخوردار است که نشان‌دهنده تأثیر کم مشوق‌ها و تخفیف‌های مالیاتی بر جذب سرمایه‌گذار است.

جدول ۶. نتایج رتبه‌بندی فاکتورهای موجود در طبقه عوامل سیاستی و اداری مؤثر بر عدم توسعه صنعتی استان لرستان

رتبه	عنوان فاکتور	ضریب اهمیت محاسبه شده	نرخ ناسازگاری
۱	ناکارآمدی سیستم اداری	۰/۲۷۹	
۲	بی‌ثباتی مدیریت در استان	۰/۱۷۱	
۳	نبود استراتژی و برنامه بلندمدت	۰/۱۵۸	
	وابستگی برنامه‌های		
۴	ارگان‌های دولتی به تغییرات سیاسی	۰/۱۲۲	۰/۰۸
۵	فرایند اخذ مجوز	۰/۰۹۴	
۶	تضاد قوانین و مقررات	۰/۰۶۴	
۷	نبود همکاری لازم میان ارگان‌های دولتی	۰/۰۶۴	
۸	فقدان مشوق‌ها و تخفیف‌های مالیاتی	۰/۰۴۷	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۷. نتایج رتبه‌بندی فاکتورهای موجود در طبقه عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر عدم توسعه صنعتی استان لرستان

رتبه	عنوان فاکتور	ضریب اهمیت محاسبه شده	نرخ ناسازگاری
۱	ضعف امنیت فردی و اجتماعی	۰/۲۶۵	
۲	ضعف روحیه کار جمعی	۰/۲۴۹	
۳	ارزش‌های فرهنگی ضد کار و سرمایه‌گذاری	۰/۲۰۲	۰/۰۴
۴	ضعف فرهنگ کار	۰/۲۰۰	
۵	فرهنگ مصرف‌گرا	۰/۰۸۳	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج بررسی اهمیت فاکتورهای فرهنگی و امنیت اجتماعی نشان می‌دهد در میان متغیرهای این طبقه، ضعف امنیت فردی و اجتماعی مهمترین مانع توسعه صنعتی استان است، وزن این متغیر تقریباً ۲۷ صدم است. ضعف روحیه کار جمعی به عنوان دومین عامل فرهنگی تأثیرگذار بر عدم توسعه صنعتی استان شناخته شده است. یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر عدم توسعه صنعتی استان ارزش‌های فرهنگی ضد تولید است که در رده سوم قرار دارد که بیانگر اهمیت و سهم ارزش‌های فرهنگی

اختصاص می‌دهد. دومین متغیر تأثیرگذار در این دسته هزینه ماشین‌آلات و تجهیزات است که ضریب اهمیت تقریباً ۲۶ درصدی داشته است. هزینه زمین و ساختمان به عنوان یکی از متغیرهای مالی عدم توسعه صنعتی استان نزدیک به ۱۶ درصد مشکلات ناشی از تأثیر عوامل مالی بر عدم توسعه صنعتی استان را در خود جای داده است. همچنین، نتایج بدست آمده بیانگر تأثیر اندک هزینه‌های حمل و نقل در فاکتورهای مالی تأثیرگذار بر عدم توسعه صنعتی استان لرستان است.

جدول ۵. نتایج رتبه‌بندی فاکتورهای موجود در طبقه عوامل مالی مؤثر بر عدم توسعه صنعتی استان لرستان

رتبه	عنوان فاکتور	ضریب اهمیت محاسبه شده	نرخ ناسازگاری
۱	محدودیت منابع بانکی	۰/۴۷۲	
۲	هزینه ماشین‌آلات و تجهیزات	۰/۲۵۶	۰/۰۲
۳	هزینه زمین و ساختمان	۰/۱۶۴	
۴	هزینه‌های حمل‌ونقل	۰/۱۰۸	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج نشان می‌دهد که در میان عوامل سیاستی و اداری، عامل ناکارآمدی سیستم اداری (بروکراسی) بیشترین نقش را در عدم توسعه صنعتی استان دارد، وزن بدست آمده برای این متغیر در میان متغیرهای سیاستی و اداری تقریباً ۰/۲۸ بدست آمده است. متغیر با اهمیت دیگر در این طبقه بی‌ثباتی مدیریتی است. به عقیده پرسش‌شوندگان این عامل سهمی ۱۷ درصدی در تأثیر عوامل سیاستی و اداری بر عدم توسعه صنعتی استان لرستان دارد. نبود استراتژی منسجم توسعه صنعتی سهمی تقریباً ۱۶ درصدی در تأثیرگذاری عوامل مدیریتی بر عدم توسعه صنعتی استان دارند. وابستگی برنامه‌های ارگان‌ها به تغییرات سیاسی در جایگاه چهارم عوامل سیاستی و اداری تأثیرگذار بر عدم توسعه صنعتی استان قرار دارد. ضریب اهمیت بدست آمده برای این فاکتور تقریباً ۱۲ درصد است. وزن بدست آمده برای متغیر فرایند اخذ مجوز تقریباً ۹ درصد است، بنظر پرسش‌شوندگان فرایند غیرشفاف، زمان‌بر و هزینه‌بر اخذ مجوز یکی از موانع توسعه صنعتی استان است. تعارض میان قوانین و مقررات یکی دیگر از عوامل عدم توسعه صنعتی استان به شمار می‌رود، وزن بدست آمده برای این متغیر تقریباً ۶ درصد است. نبود همکاری میان ارگان‌های دولتی در میان عدم توسعه صنعتی استان از اهمیت کمی نسبت به سایر متغیرها برخوردار است، وزن بدست آمده برای این متغیر تقریباً ۶ درصد است. در

حمل و نقل با وزن ۲۵ درصد دومین عامل تأثیرگذار بر عدم توسعه صنعتی استان به شمار می‌رود. از دیدگاه پرسش‌شوندگان ضعف شبکه برق و انرژی با وزن ۲۲ درصدی سومین عامل زیرساختی تأثیرگذار بر عدم توسعه صنعتی استان است. در فاکتورهای زیرساختی تأثیرگذار بر عدم توسعه صنعتی استان، ضعف شبکه‌های ارتباطی و اینترنت با وزن ۱۱ درصدی در جایگاه چهارم قرار دارد.

جدول ۹. نتایج رتبه‌بندی فاکتورهای موجود در طبقه عوامل

زیرساختی مؤثر بر عدم توسعه صنعتی استان لرستان

رتبه	عنوان طبقه	ضریب اهمیت محاسبه شده	نرخ ناسازگاری
۱	ضعف زیرساخت‌های بهداشتی	۰/۴۱۸	
۲	ضعف شبکه حمل و نقل	۰/۲۵۰	
۳	ضعف شبکه برق و انرژی	۰/۲۲۳	۰/۰۲
۴	ضعف زیرساخت‌های اینترنتی و مخابراتی	۰/۱۱۰	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۵- بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت توسعه صنعتی و نقش آن در فرایند کلی توسعه و همچنین تأکید اسناد بالادستی توسعه و به خصوص سند آمایش استان لرستان بر توسعه صنعتی به عنوان اولویت نخست سرمایه‌گذاری استان لرستان، هدف این پژوهش شناسایی موانع توسعه صنعتی در استان لرستان است.

بمنظور اولویت‌بندی ضمن مرور ادبیات موضوع و با استفاده از نظرات کارشناسان، موانع توسعه صنعتی استان در هفت دسته اصلی طبقه‌بندی شدند. طبقات اصلی عبارتند از: عوامل طبیعی (منابع طبیعی، آب و هوا)، عوامل مدیریتی و نیروی انسانی واحدهای تولیدی، عوامل مالی، عوامل سیاستی و اداری، عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل فنی، عوامل زیرساختی. در ادامه فاکتورهای مؤثر هر طبقه مشخص شدند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که از نظر پرسش‌شوندگان عوامل سیاستی و مدیریتی مهمترین عامل عدم توسعه صنعتی در استان هستند، ضریب بدست آمده برای متغیرهای این دسته برابر با ۰/۳۱۴ می‌باشد که بیان می‌دارد از میان عوامل ذکر شده عوامل سیاستی و مدیریتی ۳۱ درصد موانع عدم توسعه صنعتی استان را در خود جای داده است. عوامل و متغیرهای مالی با اهمیت ۰/۲۰۸ در جایگاه بعدی قرار

ضد تولید به عنوان مانعی جهت توسعه اقتصادی استان است. نتایج تحلیل پرسش‌نامه‌ها نشان می‌دهد در میان متغیرهای فرهنگی و امنیت اجتماعی، ضعف فرهنگ کار با وزن ۲۰ درصد در جایگاه چهارم قرار دارد. در نهایت فرهنگ مصرفی با وزن تقریباً ۸ درصد در انتها قرار دارد.

نتایج اولویت‌بندی فاکتورهای فنی نشان می‌دهد که ضعف مراکز علمی و تحقیقاتی استان به عنوان مهمترین عامل عدم توسعه صنعتی استان در این حوزه است. وزن بدست آمده برای این متغیر تقریباً ۴۲ درصد است، این عدد بیان می‌کند از دیدگاه پرسش‌شوندگان تقریباً ۴۲ درصد تأثیر متغیرهای فنی بر عدم توسعه استان ناشی از ضعف مراکز علمی و تحقیقاتی استان است. نبود همکاری لازم بین دانشگاه و صنعت در جایگاه دوم عوامل فنی تأثیرگذار بر عدم توسعه صنعتی استان قرار دارد. وزن بدست آمده برای این متغیر تقریباً ۲۹ درصد است. نتایج همچنین نشان دهنده این مطلب هستند که نبود صنایع مکمل و عدم برقراری پیوندهای مناسب بین صنایع استان به عنوان یکی دیگر از عوامل فنی تأثیرگذار بر عدم توسعه صنعتی استان به شمار می‌آید. وزن بدست آمده برای این فاکتور تقریباً ۱۹ درصد است. به نظر پرسش‌شوندگان نرخ استهلاک در سطح استان تأثیر چندانی بر عدم توسعه صنعتی نداشته و در رتبه‌بندی فاکتورهای فنی با وزن تقریباً ۱۱ درصدی در انتهای عوامل این حوزه قرار گرفته است.

جدول ۸. نتایج رتبه‌بندی فاکتورهای موجود در طبقه عوامل فنی

مؤثر بر عدم توسعه صنعتی استان لرستان

رتبه	عنوان فاکتور	ضریب اهمیت محاسبه شده	نرخ ناسازگاری
۱	ضعف مراکز علمی و پژوهشی استان	۰/۴۱۵	
۲	نبود ارتباط مناسب بین دانشگاه و صنعت	۰/۲۹۳	۰/۰۳
۳	نبود صنایع مکمل	۰/۱۸۵	
۴	بالا بودن نرخ استهلاک	۰/۱۰۷	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج بررسی تأثیر فاکتورهای زیرساختی بر عدم توسعه استان نشان می‌دهد که کمبود زیرساخت‌های مناسب بهداشتی با وزن تقریباً ۴۲ درصدی به عنوان مهمترین فاکتور این حوزه در عدم توسعه صنعتی استان به شمار می‌آید. پس از کمبود زیرساخت‌های بهداشتی مناسب، نبود زیرساخت‌های مناسب

منابع فراوان طبیعی در سطح استان است و اینکه استان در این زمینه کمبودهای قابل توجهی ندارد.

با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان نتیجه گرفت که عوامل نهادی و اجتماعی از عوامل مؤثر و تأثیرگذار بر توسعه صنعتی هستند که معمولاً در راهبردها، برنامه‌ریزی‌ها و تدوین پروژه‌های توسعه مورد غفلت قرار می‌گیرند. نتایج این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که عوامل مربوط به کیفیت نهادی در چارچوب عوامل فرهنگی و اجتماعی که بر رفتار عوامل اقتصادی و همچنین بر بروکراسی سازمان‌های دولتی و سیاست‌گذاری در این زمینه تأثیرگذار است وزنی بیشتر از عوامل فنی و اقتصادی در موانع توسعه صنعتی دارد.

بر اساس نتایج بدست آمده توجه بیشتر به عوامل نهادی در برنامه‌ریزی‌های توسعه پیشنهاد می‌گردد. برنامه‌ریزی و تدوین پروژه‌هایی در راستای تغییر نگرش به کار و فعالیت، افزایش همکاری و اعتماد اجتماعی، توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی در تدوین برنامه‌ها و ایجاد ترتیبات سازمانی، تغییر در نگرش نیروی کار و کارفرما نسبت به همدیگر، افزایش احساس مسئولیت اجتماعی، افزایش احساس مسئولیت نسبت به زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته همگی می‌تواند در بهبود وضعیت توسعه صنعتی راهگشا باشند.

دارند و بیانگر این مطلب است که عوامل مالی در جایگاه دوم موانع عدم توسعه صنعتی در استان لرستان هستند و بیش از ۲۰ درصد مشکلات عدم توسعه استان ناشی از موارد مالی است. عوامل اجتماعی و فرهنگی در جایگاه سوم موانع توسعه استان هستند. نتایج نشان می‌دهد که ۱۴ درصد از موانع توسعه صنعتی استان در دسته عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارند.

همچنین، نتایج حاصل از بررسی پرسش‌نامه‌ها نشان می‌دهد که عوامل مدیریتی و نیروی انسانی واحدهای تولیدی نزدیک ۱۰ درصد موانع توسعه صنعتی استان را در بر می‌گیرند. به عبارت دیگر تنها ۱۰ درصد از موانع عدم توسعه استان ناشی از مدیریت و نیروی کار بنگاه‌های تولیدی است. ضریب اهمیت عوامل زیرساختی در عدم توسعه صنعتی استان تقریباً ۱۰ درصد است و بیانگر این مطلب است که ۱۰ درصد موانع توسعه صنعتی استان ناشی از نبود زیرساخت‌ها است. عوامل فنی یکی دیگر از عوامل مورد بررسی در عدم توسعه صنعتی استان است، وزن بدست آمده برای این متغیر ۸ درصد است که نشان می‌دهد ۸ درصد از موانع توسعه صنعتی استان در دسته متغیرهای فنی قرار دارند. بر اساس نتایج بدست آمده کمبود عوامل و منابع طبیعی کمترین نقش را در عدم توسعه صنعتی استان داشته است، وزن بدست آمده برای این دسته از متغیرها تقریباً ۵ درصد است. این مطلب نشان از وجود پتانسیل‌ها و

منابع

عملکرد بانک‌های مهر اقتصاد استان خوزستان از دیدگاه کارکنان". *فصلنامه توسعه اجتماعی*، سال ۱۱، شماره ۳، ۲۴۳-۲۱۱.

پاتنام، رابرت (۱۳۷۷). "دموکراسی و سنت‌های مدنی". ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.

حسین‌پناهی، مهرداد؛ ساعی ارسبی، ایرج و ودیعه، ساسان (۱۳۹۴). "تأثیر سرمایه اجتماعی بر سرمایه فرهنگی (مورد مطالعه: معلمان استان همدان و شهرستان‌های تابعه)". *فصلنامه توسعه اجتماعی*، دوره ۱۰، شماره ۲، ۱۷۷-۱۵۷. دهقانی، بابک (۱۳۸۲). "سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی". *اندیشه صادق*، شماره ۱۱ و ۱۲، ۴۹-۳۸.

رافعی، میثم و صیادی، محمد (۱۳۹۷). "سیاست مالی دولت و رفاه اجتماعی در ایران با تأکید بر شاخص آمارتیاسن (رهیافت آزمون ARDL کرانه‌ها)". *فصلنامه علمی*

آقاصفری، حنا؛ امینی‌زاده، میلاد و کرباسی، علیرضا (۱۳۹۸). "بررسی نقش نهادها و زیرساخت‌ها بر تجارت دوجانبه ایران با شرکای عمده تجاری". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۹، شماره ۳۵، ۵۳-۷۸.

ادهمی، عبدالرضا و هاتفی، عباس (۱۳۹۶). "زمینه‌های فرهنگی توسعه اقتصادی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن". *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، دوره ۶، شماره ۲، ۲۵-۱. امیری، بهزاد و شاه‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۶). "تأثیر توسعه بر نهادها: مورد کشورهای اسلامی عضو گروه D8". *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، دوره ۴، شماره ۹، ۱۲۸-۱۰۹.

باورصاد، بلقیس؛ رحیمی، فرج‌اله؛ سلیمی‌فرد، عادل و قلمبر، محمدحسین (۱۳۹۶). "بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر

- (AHP). تهران، مرکز نشر دانشگاه امیرکبیر.
متوسلی، محمود؛ توحیدلو، سمیه و نیکونستی، علی (۱۳۹۱).
"باورها و عملکرد اقتصادی: بررسی تطبیقی آرای نورث و
ویر". فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، دوره ۲، شماره ۲، ۹۸-
۸۱.
- مرادی، مهدی و سلمانپور، علی (۱۳۹۶). "تأثیر حکمرانی خوب
بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب عضو سازمان
همکاری اسلامی". جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره
۴، شماره ۱۰، ۳۳-۵۹.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴). "دورنمای
رشد صنعتی در اقتصاد ایران". شماره گزارش ۱۴۶۰۱.
- ملکی حسونند، بهزاد؛ جعفری، محمد؛ فتاحی، شهرام و غفاری،
هادی (۱۳۹۸). "سازوکار اثرگذاری هم‌زمان حکمرانی
خوب و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی". فصلنامه علمی
پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹،
شماره ۳۴، ۹۹-۱۱۴.
- مهرآرا، محسن و رضائی برگشادی، صادق (۱۳۹۵). "بررسی
عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ایران مبتنی بر رویکرد
متوسط گیری بیزین (BMA) و حداقل مربعات متوسط
وزنی (WALS)". فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های
رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۶، شماره ۲۳، ۸۹-۱۱۴.
- مهرگان، محمدرضا (۱۳۸۳). "پژوهش عملیاتی پیشرفته".
تهران، انتشارات کتاب دانشگاهی، چاپ اول.
- میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). "حکمرانی خوب؛
بنیان توسعه". تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس
شورای اسلامی.
- پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۸،
شماره ۳۲، ۱۶۸-۱۵۱.
- سالار، علی؛ اکبری، حسین و صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۹۸).
"بررسی طولی-ملی (۲۰۱۴-۱۹۹۰) نقش سرمایه
اجتماعی در توسعه صنعتی". مدیریت سرمایه اجتماعی،
دوره ۶، شماره ۲، ۱۶۹-۱۹۵.
- شاکری بستان‌آباد، رضا؛ جلیلی، زهرا و صالحی کمرودی،
محسن (۱۳۹۸). "تأثیر منطقه‌ای سیاست پولی بر اشتغال
استان‌های صنعتی ایران: رهیافت مدل خودرگرسیون
برداری عامل افزوده ساختاری (SFAVAR)". فصلنامه
علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره
۹، شماره ۳۵، ۷۹-۱۰۲.
- شاکری، محبوبه؛ جعفری صمیمی، احمد و کریمی موغاری،
زهرا (۱۳۹۴). "ارتباط بین متغیرهای نهادی و رشد
اقتصادی: معرفی شاخص نهادی جدید برای منطقه
خاورمیانه و شمال آفریقا". فصلنامه علمی پژوهشی
پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۶، شماره ۲۱،
۹۳-۱۰۶.
- شیرخانی، علی و واسعی زاده، نسیم‌السادات (۱۳۹۰). "سرمایه
اجتماعی و رشد اقتصادی بررسی مقایسه‌ای ایران و کره
جنوبی". فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۲، ۲۱۳-۲۳۲.
- قاسمی، روح‌الله و شالچی، وحید (۱۳۹۷). "بررسی تطبیقی اثر
افزایش درآمدهای نفتی بر سیاست‌گذاری‌های دولت در
نهاد بوروکراسی: دو دوره ۱۳۵۶-۱۳۵۲ و ۱۳۸۹-۱۳۸۴".
جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۵، شماره ۱۱،
۱۹۷-۲۲۵.
- قدسی‌پور، حسن (۱۳۷۹). "فرایند تحلیل سلسله مراتبی
Growth: Maintenance of the Rule of Law
or Democratic Institutions, or Both".
Economic Modelling, 23, 648-661.
- Dasgupta, P. (2000). "Economic Progress and
the Idea of Social Capital". in P. Dasgupta
and I. Serageldin, (eds.), *Social Capital: A
Multifaceted Perspective* (World Bank,
Washington, DC:2000).
- Fukuyama, F. (2001). "Social Capital, Civil
Society and Development". *Third World
Quarterly*, 22(1), 7-20.
- Kim, J. L. & Lau, L. (1994). "The Source of
Economic Growth of the Eastern Asian
- Andrews, R. (2007). "Organizational Social
Capital and Public Service Performance".
*In Presentation at the 9th Public
Management Research Conference*,
University of Arizona, Tucson, USA.
- Barnes-Mauthe, M., Oleson, K. L., Brander,
L. M., Zafindrasilivonona, B., Oliver, T.
A. & van Beukering, P. (2015). "Social
Capital as an Ecosystem Service: Evidence
from a Locally Managed Marine Area".
Ecosystem Services, 16, 283-293.
- Butkiewicz, J. L. & Yanikkaya, H. (2006).
"Institutional Quality and Economic

- Newly Industrialized Countries". *Journal of the Japanese and International Economies*, 8, 235-271.
- Klein, H. J. & Park, H. M. (2015). "Organizational Commitment". In *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences: Second Edition* (pp. 334-340). Elsevier Inc.
- Lesser, E. L. & Storck, J. (2001). "Communities of Practice and Organizational Performance". *IBM Systems Journal*, 40(4), 830-844.
- Markowska-Przybyła, U. & Ramsey, D. M. (2018). "Social Capital and Long-Term Regional Development within Poland in the Light of Experimental Economics and Data from a Questionnaire". *Sustainability*, 10(9), 1-26.
- Marrocu, E. & Paci, R. (2010). "The Effects of Public Capital on the Productivity of the Italian Regions". *Applied Economics*, 42(8), 989-1002.
- North, D. C. (1990). "Institutions, Institutional Change and Economic Performance". *Cambridge University Press*.
- Putnam, R. D. (1995). "Tuning in, Tuning out: The Strange Disappearance of Social Capital in America". *Political Science and Politics*, 28(4), 664-683.
- Sabatini, F. (2009). "Social Capital as Social Networks: A New Framework for Measurement and an Empirical Analysis of its Determinants and Consequences". *The Journal of Socio-Economics*, 38(3), 429-442.
- Solow, R. (1992). "The Labor Market as a Social Institution". *Cambridge/Massachusetts: Blackwell*.
- Thompson, M. (2018). "Social Capital, Innovation and Economic Growth". *Journal of Behavioral Experimental Economics*, 73, 46-52.
- Yildirim, A. & Gokalp, M. F. (2016). "Institutions and Economic Performance: A Review on The Developing Countries". *Procedia Economics and Finance*, 38, 347-359.